



## تراژدی و کم‌دی در تاریخ واقعی<sup>۱</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

مبارزه بر ضد سیاست کنونی آلمان، مبارزه بر ضد گذشته‌ی ملت‌های نوین است که هنوز از بقایای گذشته در رنج اند. دانستن این نکته برای آنان آموزنده است که رژیم کهن که تراژدی آن با خودشان به پایان رسیده، اکنون نقش کم‌دی خود را در قالب شیخ آلمان ایفا می‌کند. تاریخ رژیم کهن تا آنجا که قدرت موجود پیش از پدید آمدن دنیا و آزادی بود، تراژیک بود و از سوی دیگر، تصویری شخصی بود؛ یعنی تا آنجا که این رژیم به توجیه خود باور داشت و ناگزیر بود باور بدارد. تا آنجا که رژیم کهن، به مثابه‌ی نظم موجود جهان، بر ضد دنیایی که در شرف زاده شدن بود، مبارزه می‌کرد مرتکب اشتباهی تاریخی و نه شخصی می‌شد. به همین سبب نیز سرنگونی اش تراژیک بود. از سوی دیگر رژیم کنونی آلمان یک پدیده‌ی غیر

موزون، تناقضی بارز با اصول شناخته شده و پوچی رژیم کهن است که در پیشگاه گیتی به نمایش گذاشته می شود. تنها خود رژیم است که به خود باور دارد و از گیتی نیز می خواهد که چنین پنداری را باور بدارد. اگر او به گوهر خود باور داشت آیا می کوشید این گوهر را در پوشش و نمود یک گوهر از خودیگانه پنهان کند و به صوفی گری پناه ببرد؟ رژیم کهن جدید تنها کمترین نظم جهانی است که قهرمانان حقیقی آن مرده اند. تاریخ کامل است و آن هنگام که می خواهد شکل کهنه ای را به گور بسپارد از فازهای بسیاری می گذرد. آخرین مرحله ی شکل جهان تاریخی، نوع کمندی آن است. خدایان یونان که قبلاً در پرومته ی در بند آشیلوس، تراژیک وار زخمی شدند، باید در گفت و گوهای لوسیان، باردیگر به صورت کمیک بمیرند. چرا سیر تاریخ چنین است؟ زیرا که بشریت باید سرخوش با گذشته ی خود وداع گوید. این سرنوشت تاریخی سرخوش، همان چیزی است که ما برای مقامات سیاسی آلمان آرزو مندیم.

کارل مارکس: سرآغازی انتقادی بر مقدمه ی فلسفه ی حقوق هگل  
مجموعه آثار مارکس و انگلس ج ۳ مسکو ۱۹۷۵ ص ۷۹-۱۷۸

دوره سوم، شعرة  
ششم، هفتم، هشتم  
مزار میسوس و شتادور

۲

هگل در جایی، بر این نکته انگشت گذاشته است که همه ی رویدادها و شخصیت های بزرگ تاریخ جهان، به اصطلاح دوبار به صحنه می آیند؛ وی فراموش کرده است بیافزاید که بار اول به صورت تراژدی و بار دوم به صورت نمایش خنده دار، کوسیدیر به جای دانتون، لویی بلان به جای روبیسیر، مونتانی سال های ۱۸۴۸ تا ۱۸۵۱ به جای مونتانی ۱۷۹۳ تا ۱۷۹۵، برادرزاده به جای عمو. در اوضاع و احوالی که دومین روایت هجدهم برومر در آن رخ می دهد با چنین مضحکه ای روبرو هستیم.

کارل مارکس - هجدهم برومر لویی بناپارت  
منتخب آثار

۳

جهل شیطان است و ما از آن می ترسیم که همین جهل موجد تراژدی های بسیاری شود. بزرگترین شاعران یونان به درستی این نکته را به مثابه ی باوری تراژیک در درام های جانکاه خانه های شاهانه ی می سناته و تبس تصویر کرده اند.

کارل مارکس «سرمقاله ی شماره ی ۱۷۹،  
کلینسه زایتونگ»  
منتخب آثار

۴

به من چه که به زخم بپردازم، به من چه که به بچه بپردازم،



من آرزوهای بزرگ تری دارم؛  
اگر گرسنه اند خوب بروند و گدایی کنند -  
قیصر من ، قیصر من یک اسیر!

هاینریش هاینه

موزه موم، شعله  
ششم، هفتم، هشتم  
فرزوسیموهستانو...

۵

به طور اجمال ، حزب طبقه ی کارگر هویت خود را به روشنی و به درستی اعلام کرده است . این به معنی آن است که در آینده ، هردو حزب پیشین (کهن) پیشنهاد ائتلاف به او خواهند کرد .

هنگامی که بارنل به جرم جریان احمقانه ی زنا ، به وسیله ی آرای عموم تبعید شد ، ناگهان نسبت به کارگران رفتاری دوستانه پیدا کرد و هنگامی که آقایان ایرلندی در پارلمان ، دریابند که این تنها کارگراند که می توانند حاکمیت آن ها را در کشور تضمین کنند ، آنان نیز چنین خواهند کرد . سپس نوبت سازش ها می رسد و فایبان ها که به وسیله ی غیبت خود در انتخابات ، خصلت سازشکاری شان را اثبات کردند ، سیاستی همانند را به پیش می برند؛ اما در اینجا از چنین کارهایی نمی توان اجتناب کرد . با این حال ، همان گونه که شما شاهد آید ، اوضاع به پیش می رود و پیش رفتن همان چیزی است که اهمیت دارد .

چنین است طنز شگفت تاریخ جهان : هردو حزب کهنه در صورتی که مایل به تداوم بر سریر قدرت خود باشند ، یا بخواهند به چنین فرازی دست یابند ، باید کارگران را فراخوانند و با آن ها سازش هایی انجام دهند و بدینسان به جانشینان خود این فرصت را بدهند که بالگدی آن ها را از مسند قدرت به زیراندازند . و با این حال آن ها را حق انتخابی در این باره نیست ! لطیفه ی کوچک ما در مقابله با لطیفه ی بزرگی که سیر تکاملی تاریخ به راه خواهد انداخت ، چه خرد و ناچیز می نماید!

انگلس به اگوست بیل  
۷ جولای ۱۸۹۲

از کتاب مارکس و انگلس درباره ی ادبیات و هنر

